

۱۱. بزرگترین خیانت بر علیه عالیترین حکومت

«ابلیس از جن بود آنگاه او از فرمان پروردگار خویش بیرون رفت.»

(سوره الکهف آیه ۴۹).

بعلت نافرمانی و خیانتی که ابلیس در بدو عالم کرد دروازه های بدبختی و شرارت بر روی عالمیان باز گردید. این عمل در ابتدای تاریخ انسان واقع شد. چنین آمده است که والدین نخست بشر مجاز بودند آزادانه از تمام درختان باغ عدن جز یکی بی ممانعت بخورند. و بطور وضوح بدیشان گوشزد شده بود که نزد آندرخت نروند و از میوه اش نخورند مبادا بمیرند. کاملاً برخلاف امر خداوند، ابلیس بطور فریب آمیز به زن گفت «هر آینه نخواهید مرد.» در همان لحظه اولین دروغ گفته شد. چنین استنباط میشود که اصل روش شیطان بر بنیاد کذب و فسق نهاده شده است. از روزی که اجداد بشر دروغ شیطان را بجای فرمان خالق برگزیدند، انسان تحت نفرینی هولناک بسر برده. در صفحات کتب مقدس خداوند زن را خطاب نموده فرمود که دشمنی و عداوت بین خاندان آدم و شیطان خواهد نهاد.

در آیه دیگری «عدو مبین» (سوره یس آیه ۶۰) یا «دشمنی آشکارا»

نامیده شده است. این عداوت نه فقط بین مردم و شیطان که سرچشمه این دشمنی و کذب و گناه میباشد، بلکه نیز میان افراد بشر هم رخنه کرده است.

در نتیجه این دشمنی، ابلیس که مولد همه سرکشها میباشد لعنت بی اندازه بزرگی را بر دوش تمام جهانیان گذاشت. جمعیت عالم رفته رفته زیادتر گردید و بالتبینه شرارت همواره افزایش یافت. قرن‌ها سپری شد و گناه بنظر مردم عادی گردید. با وجود این عالم طبیعی جلا و تابش اصلی خود را بکلی از دست نداد. آثار فساد در مقابل عطایای ذیقیمت و مجلل پروردگار توأمآ دیده می شد. تپه‌ها ارتفاعات خرم خود را با درختان میوه مزین کرده، دره‌ها با چمنزارهای سبز و بوستانهای معطر و هزاران گل‌های گوناگون فضا را خوشبو میگردانیدند. میوه‌های دنیا گوناگون و درختان در قامت و زیبایی بینظیر بودند. طلا و نقره و مروارید و سنگهای گرانبها فراوان بچشم می خورد. عمر مردم را با قرن‌ها سنجیدند. و اگر آنقوم پاینده که دارای قوای فکری شگرف بودند، آن قدرت را به خدمت آفریننده خود اختصاص می دادند، نام پروردگار را مجلل و اسم ویرا مکرم می گردانیدند و خواست ویرا بجا می آوردند. ولی از انجام آن مقصود واماندند. بشر آن زمان خیلی قدبلند، حاکم و ابداع کننده، کارهای ظریف و زیبا بود منتهی نیت بیوفائی اش از توانائی اش بیشتر بود.

بشر بزودی ابلیس را خدای خود دانست و خالق مهربان خویش را بدست فراموشی سپرد. یگانه هدف قلب سرکشش ارضاً احساسات شهوت آمیز و

شرکت در جلسات خوشگذرانی و تبه کاری بود. چون نخواست خداوند را در یاد خود حفظ کند بزودی بجائی رسید که وجود مبارکش را منکر شد. عظمت بشر را تحسین و ساخته های دست خود را پرستش نموده فرزندانش را به بت پرستی واداشت.

«خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است و هر تصور از خیالهای دل وی دائماً محض شرارت است. . . و زمین نیز بنظر خدا فاسد گردیده و زمین از ظلم پر شده بود.» (پیدایش ۶: ۱۱و۵).

یکی از عللی که نوع بشر غرق گناه گردید در انجیل ذکر شده است: «اگر چه آنها خدا را شناختند ولی آنطوری که شایسته او است از او تکریم و پوچ گشته و عقل ناقص آنها تیره شده است. در حالی که ادعای حکمت می کنند، نشان می دهند که نادان هستند. آنها جلال خدای جاودان را به بتنهائی شبیه انسان فانی و پرندگان و چهارپایان و خزندگان تبدیل کردند. به این جهت خدا ایشان را با شهوات و هوسهای خودشان در ناپاکی وا گذاشت که با یکدیگر بدنهای خود را ننگین سازند. آنان حقیقت خدا را بدروغ تبدیل کردند و آفریده های خدا را به عوض خود آفریدگار پرستیدند - آفریدگاری که تا ابد شایسته ستایش است...» (رومیان ۲۱:۱-۲۵)

نتیجۀ این ارتداد عظیم را در برنامه بعدی تحت عنوان ظهور حضرت
نوح ادامه می دهیم.

